

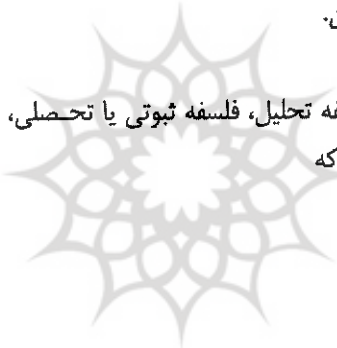
# نقش کاربردی فلسفه در علم اصول

دکتر اسماعیل واعظ جوادی آملی\*

## چکیده:

دانش فلسفه به اصطلاح مشهور حکما (درک غایات) منظور ما نیست بلکه فلسفه زبان یا سازمان ارتباطی مفاهیم (کلی و جزئی) بالغات در اشکال منطقی آن، که در علم اصول کاربردی های متعدد دارد، مورد بحث است با اشراف به فلسفه تحلیلی حلقه وین و نقد آن.

**کلید واژه ها:** فلسفه تحلیل، فلسفه ثبوتی یا تحصیلی، اصول فقه، فلسفه لغت، الفاظ مستعمله مشترکه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

## پیش در آمد:

منظور از اصطلاح فلسفه، آن معنی رایج در فرهنگ های یونانی و هندی و اسلامی نیست که بخواهیم از حقایق اشیاء و غایات خلقت بحث کنیم و یا از فلسفه گرم و پویا و نوآفرین و فلسفه سرد استاندارد و ایستا (۱) گفتگو کنیم، بلکه منظور ما اینستکه روحیه (۲) فلسفی داشتن و چون چرا کردن و صاحب عقل فضولی (۳) بودن و تحلیل و نقد کردن و از ذهن به عین و از متن واقع به ذهن رفتن، بدون اینکه جنجال تخطئه دیگران را بیاداریم و در جنگ ایده آلیسم (مینوگروی) و پوزیتویسم (تحصل گروی) (۴) وارد شویم.

بعبارت دیگر، دقت نظر اصولیون در مبحث الفاظ و دلالات رامدیون داشتن بُعد نگرش فلسفی می دانیم که لازمه اش، آزاد اندیشی و حقیقت جوئی و ارزیابی و رشد عقلانی است. و گرنه دو جریان عمده دائم در جدال فلسفه طبیعی (تجربی تحصلی)، با فلسفه مابعد الطبیعی (متاگیتیک) (۵) از زمان های بسیار دور (که

می گفتند: فلسفه دو قطب دارد، افلاطونی و ارسطوئی) تا عصر انقلاب صنعتی و پیدایش فرانسیس بیکن با ارغنون جدیدش، و در عصر حاضر، بین حلقه وین و سنتی ها و خلاصه نزاع دائمی طرفداران اصالت ذهن و اصالت عین و دیگر مکاتب فرعی مورد نظر ما نمی باشد.

۱- فلسفه تحلیلی زبان یا منطق نوین عبارتست از دستگاه های ریاضی - فیزیک که براساس داده های فیزیک تجربی و تحلیل سازه های آن و نمایش آنها که بصورت علائم ریاضی می باشد و قابل دسترسی بوده و هر وقت مورد بحث قرار گیرد، می توان آنها را ثابت کرد.

قید اخیر، پوزیتویسم منطقی را از نظریه پردازان فیزیک نظری صرف و ناتورالیست یا طبیعت گرایان نظری، مجزاً می کند.

باید به دیده انصاف نگریست و گفت که متفکرین والامقام اروپائی بویژه اتریشی در شناخت ویژگی های ماده با مکتب ویشیشیکا (ویژگی ها) در سده ۴ و ۵ قبل از میلاد هند مقایسه شود (۶) و طبیعت به روش تجربی تا حدود قابل ملاحظه ای موفقیت‌های چشم گیری بدست آورده اند) تاما بیائیم که تحصیل کدام علم واجب است و یا (قُل) در اصل (قُول) بوده یا نه هزار سال طول کشید و آنان منظومه شمسی را در نور دیده اند و موبایل و کامپیوتر اسباب بازی شد) و فلاسفه بزرگ آلمانی و انگلیسی و فرانسوی هم در زمینه های علوم زیستی و اجتماعی محصولات جدید فراوانی عرضه کرده اند، لکن در جمع بندی این داده های علمی بصورت یکدستگاه منسجم جهانشناختی و

جهان بینی علمی یا فلسفه تحلیلی به زبان منطقی، گرفتار احتمالات و تنگ نظری هاگشته اند. مضافاً اینکه، هرچند به نظام عددی عالم پرداختند ولی چون آن روح معرفت کیهانی یا عرفانی را نداشته و ندارند، از جهان بینی عددی فیثاغورسی (۷) عقب افتاده ترند. البته بررسی نظام عددی عالم در قرآن مجید مطرح است: (۸) «و کل شیء احصیناه کتاباً» که کلمه احصاء شمارش با سنگریزه هست که همان اصطلاح یونانی Cal Cullos یا دانش حساب است.

و نظام عالم براساس نظام هندسه قدری (۹) می باشد که هر قدری یک قضائی دارد و بقول شیخ الرئیس هر کمیتی، کیفیتی مخصوص دارد (۱۰) و قضایای کیفی متکمم همان است که امروزه در فلسفه تحلیلی ابراز می دارند، چون این قضایا قابل اثبات هستند مثلاً مقایسه مساحت زمین مربع شکل با زمین مثلثی.

در فلسفه تحلیلی دو قسم زبان مطرح است: زبان معمولی، عمومی و زبان تخصصی، یا علماء و اهل اصطلاح و خصوصی خود افراد که دیگران آنرا نمی فهمند؛ مثل قضیه: «من درد می کشم» که فقط گوینده این قضیه می فهمد و بس.

استاد حائری اشاره می کنند: «فلسفه زبان غیر از فلسفه زبانی است که منظور اولی (شرح العبارة) مصطلح حکماء اسلامی که درباره رابطه لفظ و معنی بحث می کند و منظور از فلسفه زبانی یعنی زبان فلسفه یا منطق تحقیق و شرح اصطلاحات و اصول موضوعه (۱۱)

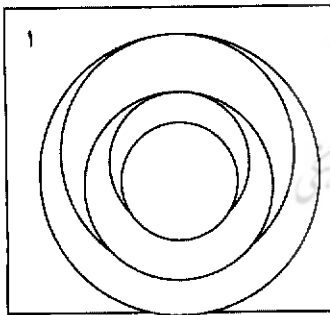
آنچه از مطالعه آثار وینگنشتاین، راسل، یوستوس هارناک، و کتاب ارزشمند (فلسفه تحلیلی) استاد دکتر مهدی حائری یزدی و کتاب آقای منوچهر بزرگمهر (۱۲) و دیگران بدست می آید، حکایت از یک سردرگمی در مبحث الفاظ است که چنانچه با نوشته های حکماء اسلامی مقایسه کنیم، عظمت فکری مفاخر اسلامی روشن می گردد. و جا دارد در این زمینه از کتاب ارزشمند و پرمحتوای آقای صادق لاریجانی به نام (فلسفه تحلیلی، دلالت و ضرورت) (۱۳) یاد کنیم که در نقد برهان کریبکی و نظرات راسل با طرح نظریات علماء و اصولیون اسلامی حق مطلب را اداء فرمودند.

اساساً یکی از علل تعالی فرهنگ هاهمین اختلاف نگرش ها می باشد و حدیث شریف: «اختلاف امتی رحمه» ناظر بر همین مایه باروری اندیشه ها می باشد.

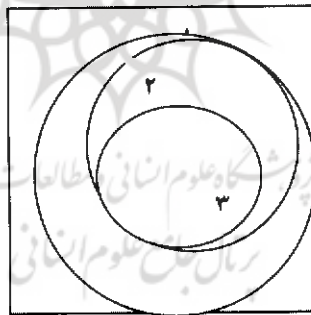
آقای، اس. ای. فراست کتابی دارد بنام مسائل فلسفه: خدا، جهان، انسان (۱۴) و آقای راس نیز کتابی با عنوان مسائل فلسفه نوشته است که با کتاب مسائل فلسفه نوشته برتراند راسل متفاوت

است و کتاب فلسفه تحلیلی، رساله منطقی - فلسفی نوشته ویتگنشتاین که درخشانترین متن فلسفی سده بیستم است موضوعات ذیل را در بردارد (۱۵):

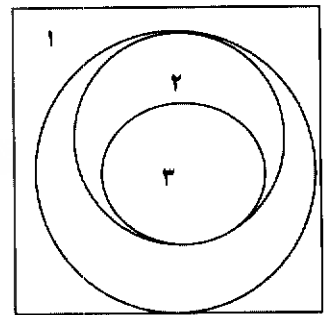
- ۱- جهان، تمامی آنچه که وضع واقع است.
  - ۲- آنچه که وضع واقع است یعنی یک بوده، وجود وضعیتهای چیزهاست.
  - ۳- انگاره منطقی بوده ها، اندیشه است.
  - ۴- اندیشه، گزاره معنادار است.
  - ۵- گزاره یک تابع ارزش (=فونکسیون حقیقت) گزاره های بدوی است.
  - ۶- صورت کلی تابع ارزش (=فونکسیون حقیقت)، این است.
  - ۷- آنچه درباره اش نمی توان سخن گفت، می باید درباره اش خاموش ماند. (۱۶)
- ویتگنشتاین، دوباره توجه فلسفه را به منطق معطوف داشت ولکن بسیاری از قلمروهای تعالی بشر را نادیده گرفت. هرچند که در گسترش زبان اندیشه یا چگونگی الفاظ و معانی سهم بسزائی یافت. حدود ده سال قبل در کنگره بین المللی صحیفه سجادیه در دمشق، در جمع اساتید فلسفه جامعه الدمشقیه مسائل فلسفه را اینچنین ترسیم کردم:



ویتگنشتاین: وضع واقع = جهان، وضعیت ها = اشیاء، منطق بوده ها، اندیشه ها، ارزش ها



ناتورالیسم: طبیعت، ماده، اندیشه



نظرما: خدا، انسان، جهان

- ۲- ما معتقدیم: اول ما خلق الله، حقیقت محمد(ص) (۱۷) یعنی فیض اقدس همان انسان کامل است که «لولاک لما خلقت الافلاک» در شأن آن حضرت است و ظهور باطن آن «ولایت علی بن ابیطالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی» معادل حدیث شریف: «کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی» اگر آنچه را که ما می گوئیم، آن بینوایان فهم

می کردند، باب انسداد در تفکر راجع به آنچه درباره اش... (بند ۷ نظرات و اصول موضوعه فلسفه زبان و ییتگنشتاین) پیدا نمی شد. ولی اصطلاح «وضع واقع» در گفته ویتگنشتاین اعتراف‌یست بر صحت نظریه ما به اینکه واضع حقیقی الفاظ و کلام، حق تعالی می باشد. (۱۸) که فرمود: «وَعَلِمَ أَدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» و «عَلِمَهُ الْبَيَانَ» و بموجب اصل موضوعه مبرهن توحید افعالی (= لاموثر فی الوجوداً لله). واضع اصلی منطق نمادین عالم خواه در صورت الفاظ خواه در صورت نمادین علائم ریاضی نجوم بصورت قضایای: «السَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحَسَابِ» «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا» وجود حق است و انسان در سیر الی الله، ملائکه الله را که لاتعدُّ و لا تُحصى می باشند شناسائی می کند. پس نامگذاری و جعل اسماء و زبان خاص سالک الی الله، و متفقه فی احکام الله علی طاقه البشریه کمال پذیر است.

اینچنین روحیه ای با توجه به نظریه انشائیه نفس ناطقه انسانی که از معطیات حق تعالی (یا فیاض علی الاطلاق و یا به تعبیر ویتگنشتاین، ظهور واقع (= تجلی اصل واقعیت به صورت واقعات صادقانه) می باشد و عالم جامع در أعراف (مقام برتر از دوزخ و بهشت) (۱۹) قرار دارد که نزاع و اختلاف نظرها را سطحی می بیند.

از این مقام که تنزل کنیم و به مرتبه نازله صرف و نحو آئیم، می بینیم که فلسفه زبان یا قواعد نحوی کلمات و جملات در دانش اصول، کاربردی تر است. چون علم اصول، فلسفه زبان فقه است و فقیه نمی تواند بدون تمسک به اصول موضوعه، احکام یا جملات نمایانگر قضایای حملیه و شرطیه و امریه را استنباط کند و بگوید: «زناکار را باید حدّ شرعی زد» یا «دست دزد را باید قطع کرد». «اگر زید قتل نفس کند، حکمش اعدام است».

درباره جدال منطق، مرحوم استاد بزرگوارم، مرجع المحققین، محمد تقی دانش پژوه (ره) در کتب و مقالات متعدده، مبسوطاً بحث کردند و مختصراً در مقدمه «رساله فی تعقب الموقع الجدلی» (۲۰) از سه گروه دانشمندان اسلامی مخالف با منطق ارسطاطالیس، دسته سوم، متکلمان و فقیهان را ذکر می کند که خود منطقی ساختند که قیاس فقهی باشد و استحسان و مصالح مرسل و اصول عملی. (۲۱) و آنها بویژه در قیاس سخنان دور و دراز آوردند و درست بگوئیم، حق آنرا بسزا ادا کردند و در حلّ مسائل اختلافی فقهی هم با پیروی از فنّ جدل ارسطاطالیس به نگارش علم جدل و خلاف و آداب مناظره (۲۲) پرداختند پس دو رشته بحث علمی در اینجا پیدا شده است:

۱- نقد از برخی مسائل منطقی و خرده گیری از آنها

## ۲- نگارش رساله ها در باره قیاس وجدل و آداب بحث

ابن سینا هم در این دو رشته وارد شده و در پاره ای از رسائل خود به آنها پرداخته است.... «رساله فی تعقب الموضع الجدلی» که رساله اوست درباره قیاس اصولیان و فقهاء یا تمثیل منطقی و نقدیست از او بر این اصل که اصولیان آنرا پذیرفته اند و از رهگذر تاریخ منطق و اصول بسیار ارزنده است.»

حاصل کلام اینک: فقهاء و اصولیون در ترویج و نوآوری مباحث زبان فلسفه یا منطق سهیم بوده اند چه همین نقد و اشکال، منشاء پاسخننامه ها و مایه گسترش منطق گشت و بویژه در مبحث الفاظ و دلالات، غناء نحوی و صرفی در زبان فارسی و عربی پدید آورد.

جا دارد که از فیلسوف ریاضیات فلکی، استاد استاد خواجه طوسی، یعنی ابوالعباس لوکری ذکری شود که صاحب بیان الحق بضمن الصدق و سراینده و بنظم در آورنده مباحث منطقی بفارسی بنام قصیده اسرار الحکمه و شرح آن (۲۳) می باشد و معلوم می گردد که قرنهای قبل از مرحوم حاج ملاهادی سبزواری صاحب منظومه، حکماء و علماء در قالب نظم به استغناء زبان فلسفه یا گسترش لغات منطقی و موارد کاربردی آنها در اصول و علوم طبیعی و فقهی همت گماشتند. (۲۴) مثلاً خود لوکری در شرح قصیده اش مثال منطق نمادی {الف=ب} ولی آیا (ب=الف)؛ البته بین (است) و (بُود) و یا (باشد) فرق معنایی است، سؤال به شعر چنین است:

چرا سوا لب کلی و مطلق عامی      نبد چو موجب کلی به عکس بافرمان  
به عکس موجب جزوی چو راه و سامان بود      به عکس سالب جزوی چرانبدسامان

۳- بی مناسبت نیست که از مخالفین منطق یا فلسفه زبانی که خود باعث غنی تر شدن فرهنگ لغات و اصطلاحات منطقی که همگی در علم اصول کاربرد دارد، گشت هم، نمونه ای آوریم و آن کتاب الخمسین مسئله فی کسر المنطق، ابی النجالفاراض (حدود قرن ۵) است که آقای دکتر فلاطوری آنرا تصحیح کردند و در مقدمه آن مطالبی مناسب مقال ما دارند: «سبک وی در ردّ منطق باشیوه مخالفان منطق بکلی فرق دارد، مناقشات او برای کسانی که به زبان منطقی و فلسفی عربی آشنا هستند نامأنوس و شاید هم نارسا و یا مردود به نظر برسد ولی با بازگشت به زبان عربی خالصی که مبرا از فکر فلسفه یونانی است و با توجه به زبانی که نماینده طرز اندیشه



عربی است، در این مباحثات، مقادیر زیادی موادّ پر ارزش به دست می آوریم که در زمینه «شناخت ارتباط فکرو زبان» (۲۵) حائز اهمیت و برای بررسی پیوست «فلسفه و زبان یونانی» و مقایسه آن با «ربط فکر و زبان عربی نسبتاً نادر می باشد.» تحلیل این دقائق از نظر «فلسفه زبان» و از لحاظ «معنی شناسی» به رساله ای حواله می گردد که با ترجمه آن که مصحح این رساله به زبان آلمانی نموده منتشر خواهد شد.

در پایان این مقاله نمونه ای از لغات و اصطلاحات مستعمله در منطق را که در علم اصول در موارد عدیده کاربردی دارد، از روی کتاب: «الالفاظ المستعمله فی المنطق» (۲۶) نقل می شود.

## جدول گزینش تطبیقی الفاظ مستعمله در منطق و اصول

اصطلاحات مستعمله در مناهج الاصول: علامه صالحی مازندرانی	الالفاظ المستعمله فی المنطق: ابونصر فارابی
ج ۱ ص ۷۹: المقام الخامس: المعانی الحرفیه و...	الالفاظ المركبه... الموصوف، الصفه، المسندلیه،
ج ۱ ص ۷۹: المقام السادس: معانی المبهمات...	المسند، موضوع، محمول
ص ۱۰۵: التصدیق هو الاذعان بالهوهویه فی الموجبات	اصناف المعانی، الکلیات المشترکه
... ان القضیه متقومه بثلاثه اجزاء: الموضوع المحمول، النسبه.	اعم، اخص، جزئی، متساویه، متساوقه
ج ۱ ص ۳۱۵ و ج ۱ ص ۱۳۵: ان صحه الحمل... اقسام الحمل من الاولى الذاتی و الشایع الصناعی	حمل مطلق، حمل غیر مطلق.
ج ۱ ص ۳۵: کنسبه الطبیعی الی افراده، و الکلی الی جزئیاته	اصناف المعانی للکلیه المفرده:
ج ۱ ص ۳۰: النوعی الذی له افراد و مصادیق...	نوع، جنس (قریب، بعید)، فصول ذاتیه، متقابله، غیر متقابله
ج ۱ ص ۳۳: عوارض للشیء بواسطه خارجیه، اعم، اخص اومتباینه...	عرض جنس و نوع، عرض مفارق، لازم اصناف المعانی الکلیه المرکیه:
ج ۱ ص ۳۰: ان الموضوع له للالفاظ... تامه کانت اوناقصه...	حدّ نوع: ناقص، تامه
وده ها اصطلاحات منطقی و فلسفی که در جای جای مباحث این علم شریف توسط علماء بزرگوار بکار رفته است.	رسم نوع یا جنس، رسم غیر کامل، اعم، اخص

جدول مذکور از باب ارائه یک نمونه مختصر می باشد و گرنه ذکر موارد مستعملات مشترکه در مجلدات عدیده گنجد و فاضل محترم آقای دکتر سید جعفر سجادی در کتاب فرهنگ علوم عقلی و نیز فرهنگ مصطلحات ملاصدرا و فرهنگ معارف اسلامی (۶ جلد) و تهانوی در کتاب کشف اصطلاحات الفنون (چاپ دوجلدی بولاق) و احمد نگری در کتاب دستورالعلماء (چاپ هند) و دیگران شرح و بیان مبسوطی دارند.

ملخص کلام اینک: فرد حکیم متفقه و فقیه حکیم متآله که دارای روحیه فلسفی اند و رشد عقلانی آنان، وجه امتیاز آنانست در شدن یک «عالمًا عقلیاً مضاهياً للعالم العینی» (تعریف صدرا از حکمت) و اصول موضوعه ای انشاء و خلق می کنند که ظهورات واقعه صادقه اند و در بیان آنها یعنی توضیح بینونت هر کدام و دائره شمول آن بسیار دقیق اند و بعنوان حسن ختام نمونه ذیل نقل می گردد: «تقسیم الوضع به تخصیصی (تعینی) و تخصیصی (تعینی)» (۲۷)

مرحوم امام خمینی (ره) اشکال کردند (۲۸) که چون (تعینی) موضوع و مجعول نمی باشد، لذا (وضع) بر دو قسم نمی باشد.

روی این اصل، تقسیم بدین نحو است که یکی اختصاصی باشد، دیگری بلحاظ ارتباط خاص بین لفظ و معنی باشد.

مرحوم صالحی مازندرانی می نگارد که: (تعینی) در غایت امر همان (تعینی) می باشد که بمرور بر اثر استعمال فراوان بدون نیاز به قرینه بر همان امر تعینی دلالت می کند.

نظر بنده بر تفکیک آندومی باشد چون باب تفعیل ناظر بر فاعل برون ذات است مثل (تحویل) که کسی چیزی را به کسی تحویل می دهد. اما باب تفعّل ناظر بر درون ذاتی می باشد مثل (تحوّل). همچنین است تغییر و تغیر. لذا تسمیه (تخصیصی) مثل غلیان برای چشمه غیر از تسمیه تخصصی غلیان (مضبوط مشهور: قلیان) برای ابزار تدخین توتون می باشد.

پس تقسم وضع به تعینی و تعینی مقبول است و نظر مرحوم صالحی در توضیح (اختصاص) و ارتباط خاص بین لفظ و معنی می تواند بر صحت نظر متداول باشد (والله اعلم). و نیز توجه شود به دقت نظر امام راحل (ره).

«إِنَّ الْقَوْمَ قَدْ خَلَطُوا بَيْنَ الْعَمُومِ وَالْإِطْلَاقِ وَلِذَا قَدْ قَسَمُوا الْعَمُومَ إِلَى وَضْعِيٍّ وَإِطْلَاقِيٍّ مَعَ أَنَّ الْفَرْقَ بَيْنَ الْبَابَيْنِ أَمْرٌ وَاضِحٌ وَقَدْ أَشَارَ الْإِمَامُ الرَّاحِلُ (رَه) إِلَى وَجْهِ الْفَرْقِ بَيْنَهُمَا بَيَانِ أَوْفَى فَقَالَ...» (۲۹)





و نیز این عبارات دقیقه که دلالت بر وسعت تسلط قائل بر فلسفه زبان دارد:

«الثانی: ان استصحاب العدم المطلق المحمولی، (الذی له حاله سابقه لاثبات العدم المقید النعتی) (الذی یکون موضوعاً للحکم الشرعی)) اَمَّا يَتِمُّ بِنَائِ عَلَى الْقَوْلِ بِحُجِّيهِ النَّعْتِ) وَهَذَا كَمَا تَرَى. (۳۰)

حال اگر بخواهیم همین عبارت دو سطر را که با منطق نمادین مجموعه ها وزیر مجموعه و عضو مجموعه نمایش دهیم. چنین است. (۳۱)

$$\{ \{ \text{ح.ن} \} \mid \{ \text{الف} \} \subset \{ \text{ح.ن} \} \mid \text{م.ن} \in \{ \text{ع.ط} \} \cup \{ \text{ع.ق} \} \mid \{ \text{ع.ق} \} = \{ \text{ح.ش} \} \}$$

در شرح عبارت دوسطری کلامی و یک سطر ریاضی فوق که بیانگر سعه ارتباطی فلسفه زبان و علم اصول می باشد، حداقل یک رساله مستقلاً لازم است.

اللهم اغفر لنا ولوالدینا و لاساتذنا و لمن له علینا حقٌ بحق محمد و آله الطاهرین.

### پی نوشتها:

- ۱- رساله فلسفه وین، ص ۱۵
- ۲- آقای دکتر شریعتمداری هم در کتاب فلسفه عمومی و هم در اصول و فلسفه تعلیم و تربیت چاپ ۱۶ تهران، امیرکبیر ۱۳۷۹، ص ۶۷
- ۳- شیخ محمود شبستری در گلشن راز: زدوراندیشی عقل فضولی یکی شد فلسفی دیگر حلولی.
- ۴- رساله فلسفه وین، ص ۷.
- ۵- همان، ص ۳۵.
- ۶- رجوع کنید به: ادیان و مکتبهای فلسفی هند ترجمه داریوش شایگان، دو جلد چاپ دانشگاه تهران + تعالیم پرورش ادیان تألیف نگارنده چاپ اصفهان ۱۳۵۴، و نیز با نظر گاه اشاعره و معتزله در اصالت ذات ماده و یا نفی آن و کتاب مکتب الذره عندالمسلمین: دکترس پینس چاپ بیروت مقایسه شود.
- ۷- برای آشنائی بیشتر، به کتاب ارزشمند استاد بزرگوارم پرفسور سید حسین نصر، بنام: نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت چاپ تهران و نیز به کتاب علم و تمدن اسلامی نوشته معظم له ترجمه استاد احمد آرام چاپ تهران مراجعه شود.
- ۸- سوره النباء آیه ۳۰.

- ۹- معارف اسلامی ۱ و ۲، تألیف نگارنده چاپ علوم دریائی محمود آباد، ص ۲۲.
- ۱۰- کتاب الشفا، چاپ سنگی قطع رحلی، فصل فی الکم...
- ۱۱- فلسفه تحلیلی ص ۳۷-۴۲ + کتاب وینگنشتاین نوشته هارت ناک ترجمه بزرگمهر، تهران، چاپ خوارزمی، ۱۳۵۶، ص ۴۰.
- ۱۲- فلسفه تحلیل منطقی چاپ دوم، نشر خوارزمی ۱۳۵۷.
- ۱۳- چاپ قم، نشر مرصاد، ۱۳۷۵.
- ۱۴- این کتاب به فارسی ترجمه و در تهران چاپ و منتشر شد.
- ۱۵- رساله وین، ص ۵۹.
- ۱۶- رساله وین، تألیف دکتر میرشمس الدین ادیب سلطانی، تهران مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ ها ۱۳۵۹، اگر به جمله اخیر توجه شود، «همانند باب انسداد» فقه برخی از مذاهب است که قلمرو وسیعی از پرواز اندیشه ها را مسدود کردند.
- ۱۷- حدیث منقول از کتاب شریف اصول کافی ج ۱، کتاب العقل و الجهل است.
- ۱۸- مفتاح الاصول: آیه... صالحی مازندرانی ج ۱، ص ۵۶: المقام الثانی ان الواضع من هو؟ بحث مبسوطی دارند که بنده آن قسمت را نقد کردم. رجوع شود به مقاله اینجانب در فصل نامه دانشگاه آزاد اسلامی بابل ۱۳۸۵.
- ۱۹- مرحوم سعدی که فرمود: (از دوزخیان پرس که اعراف بهشت است) براساس پندار ناصواب مشهور است که اعراف را بین دوزخ و بهشت می دانستند در حالی که قرآن می فرماید: و علی الاعراف رجال... اعراف بمثابة قلعه برتر از دونا حیه بهشت و دوزخ است که با (علی) یا (بر) بکار رفت (واعظ).
- ۲۰- منطق و مباحث الفاظ (مجموعه متون و مقالات تحقیقی باهتمام مهدی محقق و توشی هیکو ایزوتسه، دانشگاه تهران ۱۳۷۰ ص ۱۳ و ۱۴.
- ۲۱- مفتاح البصیره ج ۱ ص ۳۱۷.
- ۲۲- در آداب مناظره رسائل فراوانی نگاشته شد منجمله تألیف خواجه طوسی که بنده آنرا در سال ۱۳۴۲ تصحیح و در نشریه توحید در تهران منتشر کردم (واعظ جوادی).
- ۲۳- این رساله را فاضل محترم آقای ابراهیم دیباجی تصحیح و در مجموعه متون و مقالات تحقیقی چاپ دانشگاه تهران ۱۳۷۰ ص ۱۳۵-۱۰۷ منتشر کردند و مقاله ای در مقدمه مذکور صفحه هفده تا سی و سه پیرامون این قصیده و شرح آن و احوال لوکری مرقوم داشتند.
- ۲۴- رسائل خطی متعددی تحت عنوان ارجوزه و یا الفیه در فقه، اصول، منطق و فلسفه، طب توسط علماء خوش ذوق ما سروده و تألیف شده است که در فهرست کتب کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ضبط است.
- ۲۵- در زمینه ارتباط اندیشه و زبان رجوع شود به کتاب ویگوتسکی بهمین نام که فارسی ترجمه و در تهران چاپ شد.



۲۶- این کتاب توسط ابونصر فارابی تألیف شده و با تحقیق و تعلیق محسن مهدی در تهران توسط  
المکتبه الزهرا بسال ۱۴۰۴ چاپ دوم منتشر شد.

۲۷- **مفتاح الاصول**، ج ۱ ص ۶۲

۲۸- **مناهج الوصول** ج ۱ ص ۵۷

۲۹- راجع **تهذیب الاصول** ج ۲ ص ۱ نقل از **مفتاح الاصول** ج ۲ ص ۲۱۷.

۳۰- **مفتاح الاصول** ج ۲ ص ۲۵۸ توضیح اینکه علائم ریاضی، برای تفکیک مفاهیم عبارتی از بنده  
است.

۳۱- از فرزندم آقا ابوالفضل که در ترسیم این نمودار ریاضی مساعدت کردند سپاسگزارم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی